

آزمونی برای مسلمین، این بار در هند

همزمان با شیوع ویروس کرونا در جهان، ویروس خطرناکتری در هند در حال گسترش است. ویروسی به مراتب ترسناکتر از کرونا، با کشندگی ۹۹ درصدی که فقط مسلمانان هندی را قربانی خود می‌کند. نام این ویروس افراطی‌گری، نژادپرستی و خودپرستی بینی ست. مسلمانان مظلوم هند مدتی است که وضع خوبی ندارند و به دست متعرضان گرگ‌صفت هندو، مظلومانه در خون خود می‌غلتنند، تکه تکه می‌شوند. مسلمانان با اینکه بخش اعظمی از جمعیت هند را تشکیل می‌دهند (چیزی حدود ۲۰۰ میلیون نفر) ولی از طرف دولت هند و هندوهای مورد حمایت دولت هند، مورد ظلم و ستم قرار گرفته اند و امیدی جز یاری‌رسانی سایر مسلمانان جهان ندارند.



خوب است این واقعیت گمشده را یادآوری کنم که همه ما انسانیم! حق حیات داریم، حق آزادی داریم و از همه مهم‌تر این حق را داریم که کسی نباید متعرض به حقوق حقه ما بشود. ولی متأسفانه انگار ما در یک جنگل جدید زندگی میکنیم با یک قانون جنگل جدید! هنوز هم قاعده «الحق لمن غلب» در جهان جاری است، اما در قالبی زیباتر و به روزتر! نگاهی به جهان ببینید چگونه برخی خون‌ها سرخیشان چشم آدم را می‌زنند و برخی هم آنچنان رنگ باخته که اصلاً به چشم نمی‌آید. انگار نه انگار که انسانی بدون هیچ گناهی و تنها به این علت که مسلمان است، به بدترین شکل ممکن کشته می‌شود، به ناموسش تعرض می‌شود، و اموالش به غارت می‌رود.

کجا هستند آنهایی که برای حقوق بشر سینه چاک می‌دادند و باد در گلویشان می‌انداختند. چه شد؟! به نفعشان نیست اینجا برای حقوق بشر عزا بگیرید و برای مظلومان هند شمع روشن کنید؟ یا

چشمان آبی و صورت‌های سفید اروپائیان زیباتر از چشمان سیاه و صورت‌های سوخته هندی است؟! البته از حقوق بشری که خود نوشته دست قاتلین ده‌ها میلیون انسان، در طول جنگ‌های جهانی است، نمیتوان هم انتظار داشت که در این جور مواقع صدایی از آن در بیاید. اما اسلام مانند آنها نیست. اسلام در برابر ظلم ساکت نمی‌نشیند و همین خصلت اسلام است که مستکبران جهان را می‌ترساند و وادارشان می‌کند تا هر کاری برای از بین بردن آن انجام دهند. اسلام به پیروانش هشدار می‌دهد که فکر نکنید با نماز و روزه و امثال اینها می‌توانید خودتان را

پذیر. اسلام ناب اشداء علی الکفار است. مسلمان واقعی کسی است که خواب و آسایش را بر ظالم حرام کند، نه آن به ظاهر مسلمانی که نمازش را پشت سر علی بخواند و شامش را سر سفره معاویه میل کند. بر این اساس، امروز حمایت همه جانبه از مسلمانان مظلوم هند و یاری‌رسانی به آنها از اوجب واجبات است. اما در این آزمون سخت، ما مسلمانان تنها نیستیم و خود باید برای نجات دینمان، آستین همت بالا زده و به یاری یکدیگر بشتابیم. البته در کنار خروش مسلمانان در جایجای جهان، باید سنگینی این وظیفه بر دوش دولت‌های مسلمان، علی‌الخصوص جمهوری اسلامی ایران به عنوان مقتدرترین حکومت اسلامی و شیعی جهان، حس شود. وزارت امور خارجه، به عنوان زبان گویای جمهوری اسلامی در عرصه بین‌الملل، وظیفه دارد بدون هیچ ملاحظه‌ای پیگیر اوضاع مسلمانان مظلوم هند باشد و از دولت هند و در صورت لزوم، با همکاری سایر دول اسلامی، با فشار بین‌المللی، دولت هند را به فیصله دادن به ظلم‌های وارده بر مسلمانان هند وادار کند. لذا این انتظار از وزارت امور خارجه می‌رود که به وظیفه خود عمل کند و هیچ کوتاهی از جانب مسئولین مربوطه در نزد امت مسلمان، بخشیدنی نخواهد بود.

ولی غایت همه امیدها و آرزوها باز می‌گردد به آقایی که وعده داده شده است برای کندن ریشه‌های ظلم و ستم، «قَاضِمٌ شَوْكَةَ الْمُعْتَدِینَ» است. آقایی که همه نگاه‌ها برای نجات جهان، سرانجام به او دوخته خواهد شد و روزی خواهد رسید که همگان، ناامید از همه جا و امیدوار به او، هم صدا او را می‌خوانند و فریاد «العجل یا مهدی» سر خواهند داد و آن روز دیر نیست... اللهم عجل لولیک الفرج

محمد امین مهر علی تبار

را به عنوان یک دانشجو بدانیم. بفهمیم که تنها راه پیشرفت کشورانجام درست وظایفی است که بر عهده‌ی ماست.

باید که به عنوان یک دانشجوی ایرانی بفهمیم که عهده‌دار چه رسالت‌هایی هستیم. اگر دانشجو پویا باشد و وظایف و رسالت‌های اصلی خودش را به درستی انجام دهد دانشگاه هم به سمت پویایی حرکت خواهد کرد و این تعبیر حضرت امام محقق خواهد شد که اگر دانشگاه اصلاح شود مملکت اصلاح می‌شود و آن وقت است که قوی شدن محقق خواهد شد. از وجوه قوی شدن تلاش و پشتکار و افزایش توانمندی هر دانشجوی است. باید اصلاح و تقویت را از خودمان شروع کنیم. باید فضای دانشگاه‌ها از رکود و سکون به پویایی و تحول تغییر یابد.

راه قوی شدن تنها در این نیست که از مسئولین کشور توقع داشته باشیم که وظایف خویش را به درستی انجام دهند. تلاش و کوشش برای قوی شدن یک روحیه است. اگر شخصی در دوران دانشجویی پویا باشد زمانی هم مسئولی در نظام اسلامی بشود هم چنین روحیه‌ای را دارد. به عبارت دیگر برای قوی شدن باید از خودمان شروع کنیم...

علیرضا قاسمی

فلسطینی بی حضور ملت

معامله‌ای را منعقد کردند، نامش را قرن گذاشتند، فلسطینی جدید متولد کردند، فلسطینی بی حضور ملت‌اش در القبای آموزش دولت برای اهلیت مخاطب قرار گرفتن در صحنه‌ی بین‌المللی، سه رکن آموزش داده میشود. روی سخن با رکن سوم است، جمعیت یک سرزمین...

جمعیتی که طبق موازین حقوق بشری، حق تعیین سرنوشت خود را دارند. سرنوشتی که مومی شده‌است در دستان میهمانانی لنگر انداخته... گویا برای کدخدایانی قدرت و رای حق بودن، قائل شده‌اند. خودشان برای حقوق ملت‌ها به نفع خود مرور زمان قائل می‌شوند و با نام نظم نوین بین‌المللی کلاه زیبایی بر سر فعالین حقوق بشر و جوامع می‌گذارند.

در وادی سخن، حقوق بشر دموکراتیک ترین حالت اداره جوامع است، اما امان از زمانی که در حوزه عمل نگاهی به کارنامه‌اش ببیند...

در معامله قرن بسیاری نابرابری‌ها دیده می‌شود، شاید بتوان به تک تک بندهایش برای نقض اصول حقوق بشر استناد کرد.

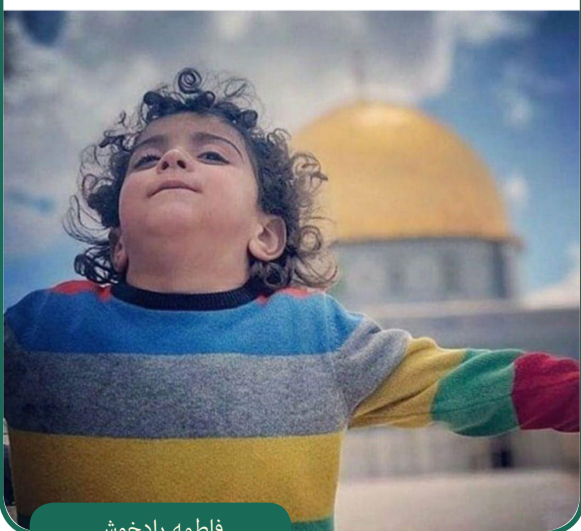
بعد هیجان‌انگیز ماجرا همان نقطه‌ای است که در برابر همه این تناقضات جامعه بین‌المللی و روح منشور سازمان سکوت کرده‌اند...

ساده باید گفت؛ میهمانانی آمدند، آمدنی بی بازگشت... صاحب ملک شدند، دیوار کشیدند، بومیان را کشتند، به مقدسات و باورهایشان توهین کردند و در پرده آخر ماجرا معامله‌ای منعقد کردند...

در این قرارداد ننگین چنین مقرر کردند که (ای بومیان، حق خرید و فروش اموال غیرمنقول را در قدس شریف ندارید) در کنار تزیین حق یک طرف، برای خود دقیقاً همان حق را بصورت تمام و کمال پیش‌بینی نمودند.

درود بر دموکراسی حداکثری... این نابرابری صریح تنها بخشی از جنایات مکتوب در معامله قرن است.

نیاز است به منشور سازمان ملل متحد، اصول ذاتی خودش را یادآوری کنیم، اصولی که هزاران بار توسط داعیه داران نقض میشود و خواهد شد... اگر بنا بر این است که حقوق بشر باشد، نیاز است بازخوانی و تفسیری دوباره از واژه بشر را ارائه دهیم به متصدیان برقراری نظم جهانی تا حداقل هر چند اندک به نام خود نزدیک شوند ... فلسطینیان هم بشرند...



فاطمه رادخوش

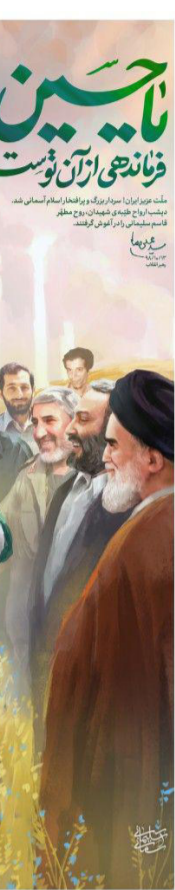
انتخابات مجلس شورای اسلامی بحث داغ و چالشی این روزها

نمایندگان مجلس، وکلای ملت در مجلس شورای اسلامی هستند که وظایف خود را در مدت چهارسال انجام می دهند. قانون اساسی (اصل شصت و دو) به عنوان بیان کننده‌ی حقوق اساسی ملت ها، انتخاب نماینده توسط مردم را حق آنها تلقی می کند... پس انتخاب نماینده توسط مردم حق آنان است. اما قبل از شروع انتخابات بحث ها و گفت و گوها به سمتی می رود که از حضور و عدم حضور در انتخابات صحبت می شود حال اگر بگذریم از حق فرد برای عدم اعمال حق خود برای انتخاب نماینده و توطئه های شبکه های معاند برای تشویق به عدم حضور؛ سوال اصلی اینجاست که اثر حضور ملت چیست؟ آیا حضور مردم در انتخابات مثر ثمر خواهد بود؟! برای پاسخ به این سوالات با مقدمه‌ای از بحث مسئولیت پذیری شروع می کنیم. منشأ تصمیم گیری های برای مردم اصولا و اساسا باید بر مبنای مسئولیت پذیری باشد. مسئولیت پذیری در دو بعد مهم منظور نظر ماست و باید سنجیده شود: اول مسئولیت پذیری نمایندگان و جلب اعتماد مردم و دوم مسئولیت پذیری ملت و حضور در انتخابات برای انتخاب صالح ترین نماینده. این دو بسیار نسبت نزدیکی با هم دارند: چنانچه اگر نامزد های نمایندگی مجلس شورای اسلامی در دوره های قبلی و یا در سابقه کاری خود غیر از مجلس مسئولیت های خود را درست و بسیار دقیق انجام دهد باعث تاثیر در حضور ملت در انتخاب نمایندگان می شود. در بیان این نکته دقیقا منظور این است که اگر بنا به اعمال حق توسط مردم باشد و مردم بخواهند صالح ترین نماینده حوزه خود را انتخاب کنند مسئولیت آنان بررسی دقیق ویژگی ها و سابقه کاری نامزد های نمایندگی مجلس، انتظار ایشان از نمایندگان و همچنین نیاز های شهر و حوزه انتخابی خود می باشد و در نهایت باید بتوانند نامزدی را که از صافی احراز صلاحیت شورای نگهبان گذشته انتخاب کنند و کرسی مجلس شورای اسلامی را برای ۴ سال به اون بسپارند. از طرفی همانطور که سابقا گفته شد حضور مردم زمانی پررنگ تر خواهد شد که اثر تصمیم خود را در مجلس شورای اسلامی و عملکرد مثبت نماینده خود و همچنین قوانین تصویب شده در مجلس ببینند و به این طریق اعتماد مردم برای حضور در انتخاب و کلایشان جلب خواهد شد و حضور پررنگ تری برای عمران و آبادانی شهر و کشورشان رقم خواهند زد. به نظر بعضی از افراد و بنا به پیش بینی آنها انتخابات دوره یازدهم مجلس شورای اسلامی از حیث وقایع اخیر تحت تاثیر مجموعه ای از عوامل قرار گرفته و حضور مردم به شکوه دوره های قبلی نخواهد بود مثل گرانی بنزین و وقایع آبان ماه و یا وقایع بعد از بیانیه سپاه در رابطه با هواپیمای اوکراینی... تمام وقایع اخیر دست آویزی برای معاندین و ترغیب و تشویق مردم به عدم حضور در انتخابات مجلس بود ولی در همین نقطه عطف و تاثیر گذار اثر حضور ملت مشخص می شود. حضور مردم در انتخابات مجلس شورای اسلامی نشان از تجدید پیمان ملت با آرمان های انقلاب و رهبر معظم انقلاب و شهدا و همچنین اعتماد مجدد مردم به نهادهای مهم سیاسی و انقلابی است. ملت شریف ایران اسلامی بار دیگر بدون توجه به تبلیغات شبکه های معاند برای عدم حضور و کم رنگ کردن حضور ملت و اثر انتخاب آنان، با چشمی بازتر از همیشه و با توجه به مسئولیت خطیر انتخاب افراد اصلاح نمایندگان خود را انتخاب کردند. اثر حضور اینجاست که دشمنان ملت ایران اسلامی بار دیگر از توطئه های خود ناامیدتر از همیشه شدند و تجدید پیمان و اعتماد مجدد مردم در گام دوم انقلاب به نمایندگان مجلس نشان از این است که مردم با توجه به شرایط حساس سیاسی و اقتصادی، انتظاری متفاوت و متناسب با شرایط کنونی از نمایندگان خود دارند.

فاطمه تقی زاده

علمدار مقاومت

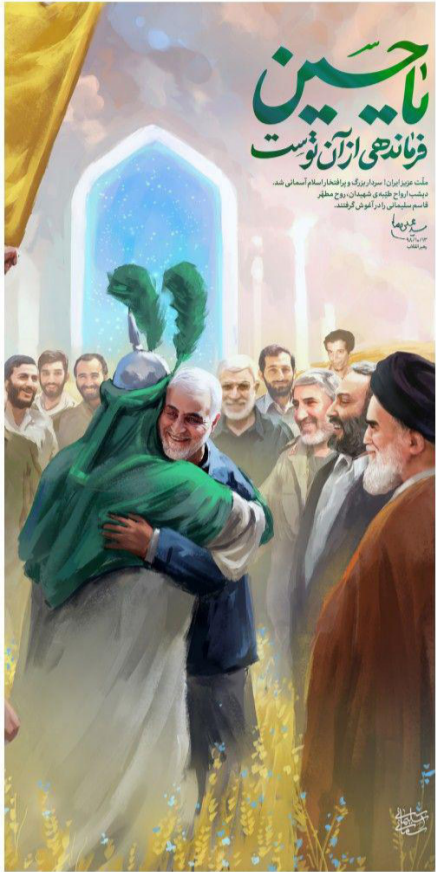
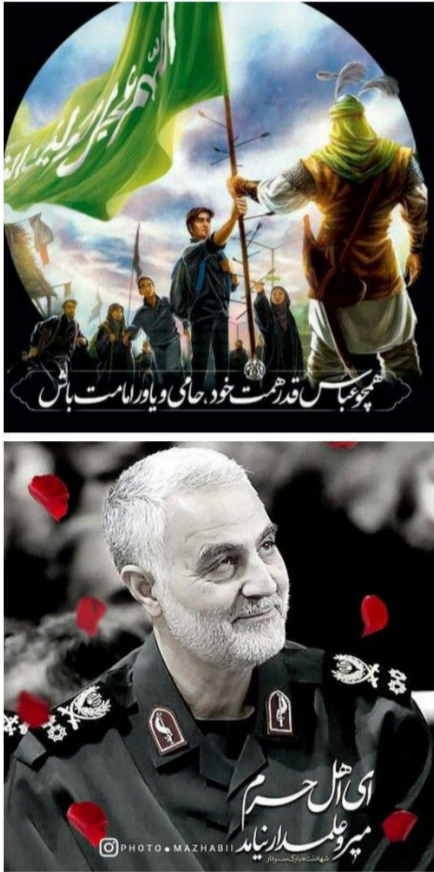
حدودا ۶ یا ۷ سال پیش بود که در اخبار شنیدیم گروهک تروریستی جدیدی به نام داعش در سوریه جنگ بزرگی را شروع کرده و به سرعت مناطق مختلف این کشور را به تصرف در می آورد.



تمام جهانیان را غرق در تعجب و ترس کرده بود. داعش دامنه حکومت خواهی خود را اسما به شام و عراق محدود کرده بود ولی در اصل هدفش گرفتن ایران ما هم بود. اما به لطف هوشمندی و دلسوزی و تعصب و غیرت و جان برکفی مدافعان حرم، خطر داعش از مملکت امام زمان (عج) دور شد. گرچه آن موقع نفهمیدیم اهمیت و بزرگی کارشان را... و هنوز هم متوجه نیستیم هرچقدر هم پول گرفته باشند به قیمت جان و جوانی و از دست دادن کودک خردسال، نمی ارزند... علمدار مقاومت و دفاع

از حرم بنویسم. علمداری در تمام این سالها و حتی قبل از ظهور داعش، تمام فکر و ذکر و تلاشش، تامین امنیت و آسایش ما بود... علمداری که دوستش داشتیم ولی نشناخته بودیمش... همان که کمتر از او حرف و شعار و سخنرانی شنیده بودیم؛ بلکه تماما اهل عمل بود و در میادین نبرد با باطل، خودش را محبوب و ائبات کرده بود... همچون عباس علیه السلام که کمتر خطبه ای از او نقل شده ولی در صحنه نبرد، لشکریان دشمن را به لرزه می انداخت. از سرداری مینویسم که بارها و بارها مورد تحسین

رهبر خویش قرار گرفته بود و حتی بعد از شهادتش نیز، رهبر معظم انقلاب از روح عظیم او قدر دانی کرد. که چه روح تازه ای در انقلاب و جان مردم دمید... مانند قمر بنی هاشم علیه السلام که امام زمانش به او (بنفسی انت) میگفت... از فرمانده ای میگویم قبل از شهادتش، همه جوره حامی ولایت بود و در وصیتنامه اش هم اصرار داشت: «خامنه ای عزیز را عزیز



تر از جان خود بدانید». مثل امیر علقمه علیه السلام که تا آخرین نفس ذکر «انی احامی ابداء عن دینی» به لب داشت و پای برادرش ایستاد... حاج قاسم یک تنه کفر را به هم ریخته بود و با تدبیر و توکل، بر تمامی جنگها فائق آمده بود و در موقعیت هایی که کسی فکرش را نمی کرد هم، با یک حرکت آگاهانه نتیجه را برعکس میکرد. و به یاد بیاوریم عباس را که هیچ کس توان مقابله با او را در جنگ رو در رو نداشت... با تمام این ویژگی ها، حاج قاسم پدری مهربان برای کودکان و

علی الخصوص ایتمام بود. فرزندان شهدا او را بابای خود می دانستند و او شدیداً به رسیدگی به این خانواده ها اصرار داشت... و چه عمویی داشتند فرزندان اباعبدالله... تا ابوالفضل بود هیچ کس نگرانی نداشت... تا چشمشان به عمو می افتاد تمام نگرانی شان از بین میرفت... اما حیف... امان از دست روزگار که امید سکینه را ناامید کرد... وقتی

بابا دست بر کمر به خیمه برگشت و عمود خیمه را کشید، یعنی مصیبت شروع شد و دیگر پناه نداریم... جمله خیلی غم باری امام حسین بالای نعش برادر دارند: «عباسم!! چشم هایی که تا دیشب از ترس تو نمی خوابیدند؛ دیگر راحت می خوابند و چشم هایی که به امید حضور تو دیشب راحت خوابیدند، از امروز دیگر خواب ندارند...» و در آخر هم گویا اگر علمدار باشی باید دست از بدنت جدا شود... چه علمدار کربلا باشی چه علمدار محور مقاومت و دفاع از حرم... و حالا با پی بردن به این همه شباهت شاید متوجه

شویم چرا در مراسم حاج قاسم دودمه «ای اهل حرم» داده میشد... اما امروز از خون مطهر و مظلوم حاج قاسم، هزاران قاسم سلیمانی دیگر ان شاء الله به وجود می آیند و انتقامش را می گیرند... غرق زخمیم؛ ولی قاتمان خم نشده... مایوس نیستیم چون معتقدیم رفته سردار نفس تازه کند برگردد چون ظهور گل نرگس بخدا نزدیک است... و معتقدیم به این جمله «شر اسرائیل را از این جهان کم میکنند، دست سردار حسین... ان شاء الله»

علیرضا خندان

سیم خاردار..!

امان از این سیم خاردار ها .. که هرچه می کشیم از این سیم خاردار هاست... سیم خاردار های نفس، سیم خاردار های...

و ما دوباره پشت سیم خاردار ها ماندیم و این بار ما را از پرواز به سرزمین نور بازداشتند.

تمیز کردن خانه ها تمام شد؛ حالا با خانه تکانی دلم چه کنم که هرسال دل به خاک های پاک جبهه می سپردم تا گرد و خاکش زدوده شود!

در پشت فخلع نعلیک کانال کمیل مانده ام؛ من اگر کفش نفس از پای وجود در نیارم در کوه طور دنیای می مانم... ابراهیم! به فریاد رس...

دلم برای انداختن چفیه ام روی سر، پابره نه قدم زدن روی خاک های نرم فکه و نجوا کردن با آسید مرتضی آوینی تنگ شده...

کلی حرف داشتیم با غواص های علقمه، ظهر علقمه، کنار آب های اروند... حالا باید از فرسنگ ها فاصله بادل جا

مانده ام بگویم: نجات دهندگان دست بسته ای اروند خروشان، ناجی زندگی ما شوید که در این غرقاب عصیان و گناه غواصی کردن از یادمان برده اند، تلاش برای روی آب ماندن که کافی نیست، چون سرانجام خسته شده دست از پا زدن میکشیم! کمک کنید شنا کنیم، به پیش رویم، می خواهیم در اقیانوس دنیا آسمانی شویم!

از کانال کمیل و فکه و اروند گفتم اما حاج همت و غروب طلائی اش، شب های شلمچه با روایت گری حاج حسین یکتایش که دیگر گفتنی است... آن حس عجیب دوست داشتنی که دیگر تعریف کردنی نیست... باید فقط آنجا باشی... از جسم فارغ شوی تماما روح شوی تا بدانی چه می گویم پس فقط آرزو میکنم بزودی برگ سبز دعوت شخصی شهدا روزی مان شود. آن ویروس بقول رهبری، منحوس، اگرچه ما را از رفتن به سرزمین لاله های به خون خفته باز داشت اما دست میزبانان مهربان و فداکار ما برای پذیرایی همیشه باز است....



فاطمه قدرتی